گزارش یک

بررسی منابع درآمد لیدرهای فوتبال

لیدر شماره یک پرسپولیس مدرسه فوتبال دارد

پویان امیری

مجید مختاری پزشک بیمارستان لبافی‌نژاد است. رضا شاهانی مالک کشتارگاه است. بهروز طاهری از آزادگان دوران جنگ است. وحید اسماعیلی که ضارب علی‌دایی است، مغازه محصولات فرهنگی در خیابان نبرد دارد. اینها همه در یک چیز مشترکند و آن هم لیدربودن در استادیوم‌های فوتبال است.

تاریخچه هواداری در فوتبال دنیا به قدمت همان اندازه عمر فوتبال است. در ایران هم همین‌گونه بوده، در کنار فوتبال باشگاهی ایران که از دهه ۳۰ شمسی پا گرفت، هواداری از یک تیم خاص هم به وجود آمد. در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ که فوتبال آماتوری بود، بازیکنان فوتبال بعد از پایان کار اول خود به سراغ فوتبال می‌آمدند و با سه جلسه تمرین در هفته و یک بازی در آخر هفته روزگار سپری می‌کردند. در آن زمان، هواداران هم آماتور بودند و برای سپری‌کردن اوقات فراغت به استادیوم‌ها می‌آمدند و تیم‌های مورد علاقه خود را تشویق می‌کردند. در آن دوران یک «بوقچی» یا به قول امروزی‌ها «لیدر» هم این تماشاگران را هدایت می‌کرد، البته هیچ نظارتی روی آنها نبود و تنها کسانی به این سمت می‌رسیدند که اولا قدمت بیشتری در استادیوم‌رفتن داشتند و بعد هم می‌توانستند یک سکوی حداقل سه‌هزار نفری را با خود همراه کنند. اما از اوایل دهه ۷۰ که پول وارد فوتبال شد و تیم‌ها به صورت حرفه‌ای با بازیکنان قرارداد می‌بستند، لیدرها هم وارد عرصه حرفه‌ای شدند. ملاک انتخاب لیدرها همان شاخصه‌های گذشته بود، اما این‌بار با نظارت از سوی مدیران باشگاه‌ها، مدیران یک تیم به لیدرهای باشگاه پول می‌دادند تا دیگر مانند تماشاگران عادی فوتبال، احساساتی نشوند و یک زمان علیه مدیر، مربی و بازیکن شعار دهند، علاوه بر این با پول‌دادن به لیدرها، به نوعی آنها را می‌خریدند تا از طریق آنها بتوانند روی تماشاگران نفوذ داشته باشند. البته تنها پول‌دادن مستقیم روش کار مدیر تیم نبود، معمولا در سفرهای خارجی تیم‌ها، چند سهمیه را هم برای لیدرها در نظر می‌گرفتند تا هم به نوعی در کشورهای خارجی، آنها از تیم حمایت کنند و هم تشویقی باشد برای اینکه به وظیفه خود در قبال مدیر ادامه دهند. در این میان علی پروین به خوبی به نقش لیدرها پی برده بود و از اولین نفراتی بود که از حضور آنها به نفع خود استفاده کرد.

در آستانه جام‌جهانی ۱۹۹۸ فرانسه که تیم‌ملی ایران یکی از راهیافتگان به جام‌جهانی بود، بحث لیدرها جدی‌تر شد. در آن زمان لیدرها کم‌کم به قدرت درجه یک سکو تبدیل شده بودند که می‌توانستند یک استادیوم صدهزارنفری را به تشویق یا علیه یک نفر یا تیم وادار کنند. لیدرها که با پول خوب از سوی باشگاهای پرطرفدار روبه‌رو بودند، حالا تعداد زیادی هم دستیار داشتند که به طور کامل می‌توانستند بر تماشاگران یک استادیوم احاطه داشته باشند. مدیران فدراسیون فوتبال که باید برای جام‌جهانی چندتا لیدر با خود به کشور فرانسه می‌بردند، به دنبال آن بودند که کنترل لیدرها را دست بگیرند. اما فدراسیون با توجه به مشکلات زیادی که در مورد لیدرها وجود داشت از جمله سابقه کیفری بعضی از آنها، تصمیم گرفت که تنها دو یا سه بوقچی پیر و قدیمی را با خود به فرانسه ببرد تا باعث تهییج ایرانی‌ها و تشویق تیم‌ملی شوند و مشکلی هم به وجود نیاورند.

در اواخر دهه ۷۰ مشکلات فرهنگی تماشاگران در کنار موادمخدر و ایدز، از اصلی‌ترین معضلات اجتماعی ایران بود. انفجار مواد محترقه در استادیوم‌ها و حمل موادمخدر به داخل ورزشگاه باعث شد تا مسوولان ورزش به فکر بازسازی فرهنگی در میان تماشاگران بیفتند. در آستانه بازی‌های مقدماتی جام‌جهانی ۲۰۰۲ کره و ژاپن، مسوولان ورزش دست دوستی به سوی لیدرها دراز کردند تا بلکه آنها بتوانند ورزشگاه‌ها را به محل امنی برای تماشاگران و دوستداران واقعی فوتبال تبدیل کنند. در اولین اقدام، جلسه‌ای میان معاونت حراست تربیت بدنی، شهرداری، فدراسیون فوتبال و لیدرها برگزار شد تا بحث ساماندهی لیدرها و تماشاگران در آن مطرح شود.

برای اولین‌بار جرقه موفقیت این ساماندهی در بازی ایران و عربستان در مقدماتی جام‌جهانی زده شد. بازی‌ای که با حضور ۱۲۰هزارتماشاگر برگزار شد و با پیروزی ایران و بدون هیچ مشکلی از سوی تماشاگران به پایان رسید. این بازی نطقه‌عطفی شد تا لیدرها کم‌کم به شخصیت‌های مثبت و تاثیرگذار در فوتبال تبدیل شوند و از آن به بعد، شاهد حضور گسترده آنها در ورزشگاه‌ها باشیم.

در اوسط دهه ۸۰ با ظهور بعضی تیم‌ها از جمله استیل‌آذین، لیدرها به سمت کاسبی رفتند و بدون تعصب به آن تیم، به تشویق این تیم‌ها روی آوردند، البته وظیفه آنها تنها به ساماندهی تماشاگران در استادیوم محدود نمی‌شد، بلکه آنها وظیفه داشتند برای این تیم‌های بی‌طرفدار تماشاگر جذب کنند. اما بعد از مشکلاتی که لیدرها در این باشگاه و سایر باشگاه‌های بدون هوادار به وجود آوردند، کم‌کم لیدرهای کاسب از بین رفتند. البته در کنار این لیدرها، بودند افرادی که برای مدیران خاصی کار می‌کردند، مانند لیدرهای حبیب کاشانی، مدیرعامل وقت پرسپولیس، که گفته شد در درگیری با علی دایی او را مورد ضرب‌وشتم قرار دادند.

در مورد رابطه مالی باشگاها با لیدرها، اکثر آنها وابسته به باشگاه هستند. پول و امکاناتی مانند سفرهای خارجی را هم از مدیران عامل می‌گیرند و برای همین هم، سنگ آنها را به سینه می‌زنند، اما در این میان لیدرهای تیم پرسپولیس مدعی هستند، هیچ پولی از باشگاه نمی‌گیرند. البته بعضی از آنها در حال حاضر کارمند باشگاه محسوب می‌شوند و درآمدی هم از این طریق دارند. اما درآمد واقعی این لیدرها از کجاست؟ آنها از قشرهای مختلف جامعه هستند که در این میان شغل‌های مختلفی وجود دارد: مجید مختاری - پزشک، رضا شاهانی- شغل آزاد با مالکیت یک کشتارگاه و وحید اسماعیلی- فروشندگی محصولات فرهنگی در خیابان نبرد. بقیه لیدرها هم در شغل‌هایی مانند پخش مواد غذایی، باشگاه بدنسازی، پیمانکار بانک یا تدارکاتچی باشگاه هستند.

در میان لیدرهای مطرح کنونی ایران یک نام بیشتر از سایرین جلب توجه می‌کند: «عباس اسماعیل‌بیگی» لیدر شماره یک پرسپولیس که کارمند باشگاه هم محسوب می‌شود، لیدری است که علاوه بر ساماندهی هواداران پرسپولیس، مدرسه فوتبال دایر کرده و مدرک «C» آسیا را دارد. به گفته خودش او اولین هوادار تاریخ باشگاه‌های جهان است که به یک کشور دیگر ترانسفر شده است. او به درخواست باشگاه الاهلی امارات به این کشور رفت و قرار شد برای هر بازی بین دوهزار تا سه‌هزار درهم دریافت کند، ضمن اینکه روز بازی به امارات می‌رفت و بعد از بازی هم با خرج باشگاه الاهلی به ایران می‌آمد. از طرف دیگر باشگاه اماراتی النصر هم به او پیشنهاد ۳۰هزاردلار برای یک فصل داده بود که قرارداد هم بسته شد، اما این لیدر بعد از دیدن اولین بازی پرسپولیس از تلویزیون، قراردادش را فسخ می‌کند و به ایران می‌آید. چون به گفته خودش عشق به پرسپولیس از همه ثروت‌ها بالاتر است.

کانون هواداران باشگاه‌های بزرگ فوتبال ایران در حال حاضر سایتی برای هواداران راه‌اندازی کردند و در کنار آن، سامانه پیام کوتاه نیز راه افتاده است. برای نمونه کاربر سایت پرسپولیس در حال حاضر ۵۰هزارنفر است. همچنین شاهد حضور گسترده آنها در فیس‌بوک هم هستیم.

اما یک لیدر باید چه شاخص‌های دیگری علاوه بر قدمت و مقبولیت داشته باشد؟ بعضی لیدرهای معروف دراین‌باره می‌گویند که یک لیدر واقعی، فردی است که باید اشراف کامل به اخبار باشگاه داشته باشد، از طرف دیگر باید با بازیکنان رابطه مستمر داشته باشد و همیشه بتواند با تماشاگران روی سکو ارتباط خوبی برقرار کند. ضمن اینکه باید بتواند حاشیه‌ها را جمع کند، تا به تیم ضربه وارد نشود. هرچند به گفته لیدرها تا حدودی می‌توان سکوها را هدایت کرد، اما وقتی تماشاگر عصبانی است دیگر کاری از هیچ لیدری برنمی‌آید.

قضیه لیدرهای تیم‌ملی هم مانند انتخاب بازیکنان تیم‌ملی است، جمعیت حامیان تیم‌ملی هم مثل سرمربی تیم‌ملی از میان لیدرهای باشگاهای مختلف، لیدرهای خود را انتخاب می‌کنند و حتی یک روز پیش از بازی‌های ملی آنها را به اردو می‌برند تا برای بازی آمادگی داشته باشند، که بیشتر شبیه یک اردوگاه آموزشی و فرهنگی است. البته از این لیدرها سوءپیشینه و تست عدم‌اعتیاد می‌گیرند تا یک لیدر موجه، مشوق تیم‌ملی باشد. جالب است بدانید در کشور کره‌جنوبی برای بازی رفت مرحله مقدماتی برابر ایران برای انتخاب ۳۰۰ هوادار که همراه این تیم به ایران بیایند، تست‌هایی از جمله آمادگی جسمانی و صدا از بین ۹۰هزار نفر داوطلب گرفته بودند تا بتوانند ۹۰ دقیقه تیم کشورشان را در سروصدای کرکننده ورزشگاه آزادی تشویق کنند.

تنها درخواست لیدرها هم جالب است؛ آنها می‌خواهند رسانه‌ها و مردم به چشم هواداران پولکی به آنها نگاه نکنند و بدانند که اگر لیدرها در فوتبال ایران حضور نداشتند، دیگر هیچ خانواده‌ای اجازه نمی‌داد فرزندش به استادیوم برود و الان استادیوم‌ها به بزرگ‌ترین معضل جامعه تبدیل شده بودند.

از اوایل دهه ۷۰ که پول وارد فوتبال شد و تیم‌ها به صورت حرفه‌ای با بازیکنان قرارداد می‌بستند، لیدرها هم وارد عرصه حرفه‌ای شدند

۳۰۰۰۰ دلار

باشگاه اماراتی النصر به عباس اسماعیل‌بیگی پیشنهاد ۳۰هزاردلار برای یک فصل داده بود که قرارداد هم بسته شد، اما این لیدر بعد از دیدن اولین بازی پرسپولیس از تلویزیون، قراردادش را فسخ می‌کند

کانون هواداران باشگاه‌های بزرگ فوتبال ایران در حال حاضر سایتی برای هواداران راه‌اندازی کردند و در کنار آن، سامانه پیام کوتاه نیز راه افتاده است. برای نمونه کاربر سایت پرسپولیس در حال حاضر ۵۰هزارنفر است. همچنین شاهد حضور گسترده آنها در فیس‌بوک هم هستیم.

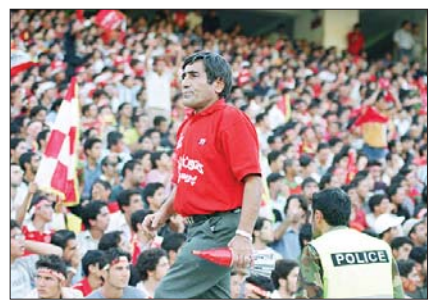

یک لیدر واقعی، فردی است که باید اشراف کامل به اخبار باشگاه داشته باشد، از طرف دیگر باید با بازیکنان رابطه مستمر داشته باشد

۳۰۰ هوادار

در کره‌جنوبی برای بازی برابر ایران برای انتخاب ۳۰۰ هوادار که همراه این تیم به ایران بیایند، تست‌هایی از جمله آمادگی جسمانی و صدا از بین ۹۰هزار نفر داوطلب گرفته بودند

گزارشگر «شرق» در همه جای ایران باشید

سوژه‌ها و گزارش‌های خود را برای ما به ایمیل sharghline@sharghdaily.ir بفرستید یا به شماره ۳۰۰۰۴۶۹۹ پیامک بزنید یا با ۸۸۶۴۰۲۶۰ تماس بگیرید. «شرق» با کمک شما خواندنی‌تر می‌شود.

گزارش دو

شب‌ها که ما خوابیم، عده‌ای بی‌محابا خانه‌ها را خراب می‌کنند

۲۵۰کشته، میانگین تلفات سالانه گودبرداری غیر اصولی

علی گنجی

دوربین مداربسته مغازه سرکوچه، چند شاهد که نیمه‌های شب بیدار بوده‌اند، حرف‌های ساکنینی که خانه‌شان تخریب شده و شاهدانی که به‌جای کمک‌کردن، با موبایلشان از حادثه فیلم گرفته‌اند. اینها در کنار هم حادثه را توصیف می‌کنند؛ ناگهان صدایی مهیب محله را در برمی‌گیرد و ساختمان‌ها می‌لرزند. مردم با فریاد «زلزله... زلزله» از خانه‌هایشان بیرون می‌ریزند. از تمامی پنجره‌ها چند چشم به کوچه خیره شده است. فریاد زنی به گوش می‌رسد که کمک می‌خواهد. همه روبه‌روی ساختمانی جمع شده‌اند که نصف شده است.

نصف ساختمان پابرجاست. نصف دیگر همراه با اثاثیه و ساکنین فرو ریخته است. آواری که از نصف یک ساختمان ساخته شده، گودی ساختمان بغل را پر کرده است؛ یک گودی که قرار بوده محل پی‌ریزی ساختمانی نوساز بشود. زن فریاد می‌زند و کمک می‌خواهد. عده‌ای با آتش‌نشانی و اورژانس تماس می‌گیرند. صدای آژیر ماشین‌ها با همهمه و فریادها مخلوط می‌شود. اثاث ساختمان ریخته‌شده مشخص است. ساعت روی دیوار هنوز حرکت می‌کند. عروسک روی میز تکان نخورده. انگار نه انگار که صاحبش همراه با تخت‌خواب، سه طبقه سقوط کرده و زیر آوار است. زن فریاد می‌زند و از امدادگران کودکش را می‌خواهد. محل تا صبح ناآرام است. کم‌کم جمعیت پراکنده می‌شوند. ظهر که می‌شود، مهندس ناظر سر می‌رسد و به گودبرداری‌اش نگاه می‌کند که پر شده است. یک گودی که قبرستان چهار کودک، یک زن و شوهر و یک پدربزرگ شده است. سهم آنها از زندگی خبری است که ساعاتی بعد پخش خواهد شد: «گودبرداری و تخریب غیراصولی جان هفت‌نفر را گرفت.»

هر سال در تهران، به‌طور میانگین ۲۵۰ مورد ریزش در اثر گودبرداری غیراصولی رخ می‌دهد که ۲۵کشته و ۱۰۰ زخمی به همراه دارد؛ این آماری است که شورای شهر تهران حدود دو سال پیش اعلام کرده است. آمارهای سازمان آتش‌نشانی تهران نیز در سال ۹۰ نشان می‌دهد که گودبرداری‌های غیراصولی در ۹ ماهه اول سال ۲۵۱ حادثه داشته که از این تعداد ۲۴نفر فوت و ۹۰نفر مجروح شدند. علی میقانی که مدیرعامل یک شرکت انبوه‌سازی است، ماهیت تخریب را اینگونه توضیح می‌دهد: «تخریب یا برای بهینه‌سازی یا بازسازی است برای طبقات بیشتر یا مقاوم‌کردن. در مناطق شهری برای نوسازی و بهسازی نیاز به مجوز است. تخریب به چند صورت انجام می‌شود. مثلا با لودر در عرض دو یا سه روز هرچه هست، خراب می‌کنند و ضایعات را می‌فروشند.» به گفته او، حالتی که در ایران بیشتر متداول است، تخریب انسانی است؛ اول وسایلی مثل شوفاژ و چهار چوب در و پنجره و سیم‌کشی و... را می‌فروشند و بعد، از سقف آخرین طبقه شروع می‌کنند به تخریب. سقف بالا را روی سقف پایینی می‌ریزند. بعد دیوار آن طبقه را خراب می‌کنند. سپس تیرآهن‌ها بریده می‌شود و به همین صورت، تا طبقه آخر پیش می‌روند. این مهندس انبوه‌ساز، با اشاره به خطرناک‌بودن این مرحله برای کارگران می‌گوید: «در تخریب غیراصولی، کارگران اسکلت و دیوارهای حمال (باربر) ساختمان را خراب می‌کنند و موجب ریزش آن می‌شوند. خود کارگرها هم که در طبقات پایین هستند، آسیب می‌بینند و زیر آوار می‌مانند. اکثر آسیب‌های کارگران در این زمان از تخریب است.» او ادامه می‌دهد: «اما قسمت دیگر خطرناک ماجرا، هنگامی است که ساختمان کامل تخریب می‌شود. در این وضعیت یک تل از خاک و مصالح وجود دارد که با بیل مکانیکی و لودر شروع به جمع‌آوری و خاک‌برداری می‌کنند. وقتی که دو ساختمان مجاور هم هستند، گودبرداری باعث می‌شود که پی ساختمان کناری از مجاور خالی شود. در این حالت ساختمان به طرف گودی متمایل و امکان تخریب زیاد می‌شود.»

مهندسان برای جلوگیری از این صدمات راه‌حل‌هایی فنی دارند؛ به فاصله یک‌متر از ساختمان خاک را باقی می‌گذارند و ستون‌هایی را به دیوار ساختمان مجاور می‌زنند و بعد، خاک باقیمانده را برمی‌دارند. روش دیگر «نیلینگ» است؛ یعنی یک تور پهن می‌کنند روی خاک و با میخ تور را محکم می‌کنند و رویش را بتن می‌پاشند تا از حرکت خاک جلوگیری شود. اما بسیاری از پیمانکاران و مهندسان این کار را انجام نمی‌دهند چون مشکل و پرهزینه است. یکی از مشکلات این است که مهندسان تخریب ساختمان برای این کار معمولا دوره‌ای نمی‌بینند و سازمان‌های نظارتی نیز آنها را ملزم به آموزش تخریب نمی‌کنند. بنابراین پیمانکاران برای کم‌کردن هزینه‌ها، ایمنی را کاهش می‌دهند.

هزینه‌های ایمنی در یک ساختمان، علاوه بر رعایت نکات ایمنی برای ساختمان مجاور، بیمه کارگران و رهگذران را هم شامل می‌شود که ساختمان‌سازان در بسیاری موارد برای کاهش هزینه‌هایشان، این کار را انجام نمی‌دهند. جمال از کارگران ساختمانی در حصارک کرج است. ۴۱سال دارد و همراه سه فرزند و همسرش در یک اتاق ۱۰متری زندگی می‌کند. او همان‌طور که دراز کشیده، می‌گوید: «چهارسال پیش بود که مشغول کار بودیم در یکی از ساختمان‌های کرج. قبلش کار ساختمان انجام داده بودم و کمی سر در می‌آوردم، متوجه می‌شدم که بعضی نکات رعایت نمی‌شود. ما که اختیاری از خودمان نداریم؛ زیر نظر مالک و پیمانکار و مهندس‌ها کار می‌کنیم و هرچه آنها بگویند انجام می‌دهیم. یکی از طبقات را تخریب می‌کردیم که ساختمان ریزش کرد.» جمال ادامه می‌دهد: «مهندس برای اینکه مصالح را زودتر بفروشد، چهارچوب‌های در و پنجره را کنده بود و باعث شد ساختمان ریزش کند. دستم و ستون فقرات و زانویم شکست. سه کارگر دیگر هم مردند. من ازکارافتاده شدم.»

جمال از چهارسال پیش تا حالا در بستر است و نمی‌تواند تکان بخورد: «هزینه عمل ستون فقراتم زیاد است و نتوانستم پرداخت کنم. مجبورم ساکن در بستر بخوابم. خرجی که همسرم از نظافت و کارگری منازل به دست می‌آورد، کفاف دو فرزندم را هم نمی‌دهد. همه‌اش به‌خاطر این است که مهندس می‌خواست زودتر به پول برسد و ما را بیمه نکرده بود. حتی دستمزد ماه آخر کارم را نداد. دستم به هیچ جا بند نیست. همه زحمت‌ها و خطرات برای ماست، پولش برای دیگران.»

دستمزد مهندسان ناظر و تناسب آن با مسوولیتشان، دفاعی است که بسیاری از مهندسان در برابر تخریب غیراصولی عنوان می‌کنند. مریلا که مهندس معمار است، می‌گوید: «فقط اسم مهندس ناظر روی پروژه است؛ حق امضایشان را می‌فروشند. اصلا بالای سر کار نیستند چون اکثرا دریافتی کمی دارند. گودبرداری هم به‌خاطر تردد ماشین، در شب انجام می‌شود. فقط کافی است باران بگیرد؛ خاک را می‌شوید و ساختمان بغل نیمه‌های شب می‌ریزد. همه مسوولان ساخت هم در خواب هستند.» او ادامه می‌دهد: «یک مهندس را می‌شناختم که موقع گودبرداری خارج از کشور بود. یک ماه بعد از تخریب، تازه متوجه شده بود.» او می‌گوید که یک کار وقتی رونق پیدا می‌کند، مسایل غیرقانونی در آن زیاد می‌شود و «کسی هم نمی‌تواند جلویش را بگیرد». «این‌همه خبر درمورد گودبرداری و تخریب غیراصولی شنیده می‌شود اما باز هم اتفاق می‌افتد و خواهد افتاد.»

گودبرداری مجدد ساختمان، بازسازی ساختمان تخریب‌شده مجاور، جبران خسارت‌های وارده به وسایل و اثاثیه، پرداخت دیه مجروحان و کشته‌شدگان حادثه، قسمتی از خساراتی است که تخریب غیراصولی برجای می‌گذارد. غم ازدست‌دادن عزیزان یا ازکارافتادگی یک کارگر و صدمات معنوی و غیرمادی نیز بخشی از تاوان بی‌احتیاطی مهندسان است. مهرداد که در بنگاه معاملات املاک کار می‌کند و کارشناس فروش است، می‌گوید: «یک ساختمان بود که به علت تخریب غیراصولی ریزش کرد و چند ماشین را در کوچه از بین برد. ساختمان را ما داشتیم می‌ساختیم. مالکان خودروها شکایت کردند. حدود ۱۰۰میلیون از جیبم دادم چون بیمه نکرده بودم. از آن موقع به بعد، بیمه کردم. یک هشدار بود برای من. به نظرم بهترین کار این است که ساختمان‌های مجاور را هنگام گودبرداری تخلیه کرد. شاید بیمه، پول دیه را بپردازد اما احساس می‌کنم حتی اگر دست یک‌نفر بشکند و مثلا مجبور شود پلاتین بگذارد، هر وقت که درد بکشد یک نفرین هم نصیب ما می‌شود. ارزشش را ندارد.» مهرداد ۳۸ سال دارد و ۱۳ ساختمان را به اتمام رسانده است. او می‌گوید: «من شب‌هایی که گودبرداری است، بالای سرکار می‌مانم با اینکه مهندس نیستم. می‌ترسم. اتفاق یک‌بار می‌افتد. مشکل اینجاست که طرف ۲۰سال است بدون ایمنی ساختمان ساخته و فکر نمی‌کند ممکن است این بلا سرش بیاید. اما وقتی این اتفاق بیفتد، هیچ کاری نمی‌شود کرد؛ به‌خصوص اگر کشته داشته باشد. بیمه هرچقدر هم پول بدهد، باز تا آخر عمر عذاب وجدان همراه آدم هست. البته اگر وجدانی باشد.»

جدول۱۸۱۵

افقی:

۱- شهر زیره- گلی به شکل قیف‌های کوچک در رنگ‌های مختلف که در اوایل شب شکفته می‌شود ۲- گاز خردل- عاقبت جوینده ۳- ظرفی برای شستشو- بخش گردنده موتور- دیسک گردان ۴- در امان- بازیابی سلامت پس از بیماری- کمک ۵- نوعی حلوا - حمام تاریخی- کاهگل- مخترع تلفن ۶- کلاه پوستی- چاشنی سالاد- دارو- گفت‌وگوی اینترنتی ۷- زینت دادن- خلاص و نجات یافته ۸- فلانی- ارجاع- عضو سخنگو ۹- معتقد به دین اسلام- کاتر ۱۰- محکم کردن- زادگاه نیما- عدد خیطی! - دارای چهره زیبا همچون ماه ۱۱- شهر توت-رونوشت- فلز سخت- آخرین نازی ۱۲- واحد شمارش کاغذ- دریچه دو قسمتی در قلب پرندگان و پستانداران- توان و طاقت ۱۳- مرکز ایالت «اکستر مادورا» اسپانیا- خراجگزار- بسیار مست ۱۴- دورانی از زمین‌شناسی بی‌هیچ نشانی از حیات- ماشین ساخت بتون ۱۵- روشی برای حروف چینی مسطح ماشینی که در آن هر سطر از حروف به‌صورت یکپارچه ریخته می‌شود- خوددار

عمودی

۱- بی‌حرکتی کم و بیش مداوم انسان در حالتی نا آگاه و معمولا جذبه‌وار- نانی که در خمیر آن شیر به‌کار رفته است ۲- بلیغ و رسا- شگون- گاو نر ۳- سوگ - از حواریون مسیح(ع) - منسوبه‌کلیه ۴- حرف ندا- از داروهای تنگ‌کننده عروق- شریعت ۵- عدد لگاریتمی- نوعی بستنی- درخت انگور- لباس شنا ۶- از فرزندان یعقوب(ع) - به‌طور آهسته و پنهانی- نیم‌تنه مردانه ۷- ترشی بادمجان- سر نیزه- نوعی‌رو انداز ۸- خودرو جمعی بزرگ- شکمبه دام‌ها ۹- فلز چهره! - الیاف تابیده شده و به‌صورت نخ در آمده- جلگه وسیع بی‌درخت ۱۰- خطاب بی‌ادبانه- مناسب استفاده روزمره و معمولی- زبانه آتش ۱۱- طبیعی و نرمال- پوستین- زاج سفید- نوار برق ۱۲- از گربه‌سانان- از شخصیت‌های کارتونی که خرگوشی شبیه انسان است- از اقمار مشتری ۱۳- سر انگشتان- رویه لباس- تور کاهکشی ۱۴- محکم و استوار- از ادات استفهام- سالک ۱۵- پیروی از دین حضرت موسی(ع) - سرهنگ نیروی دریایی سپاه پاسداران

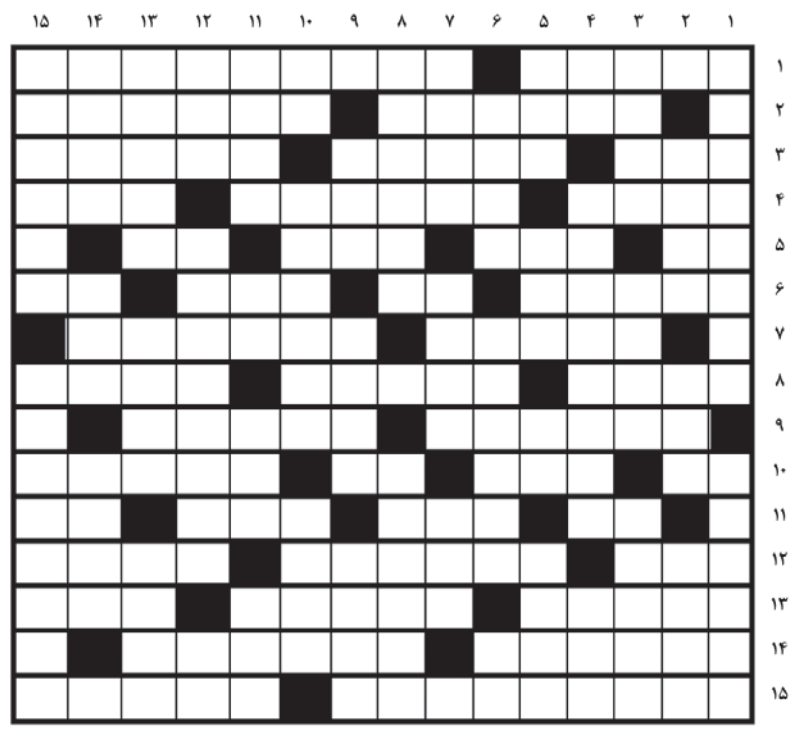

حل سودوکو سخت

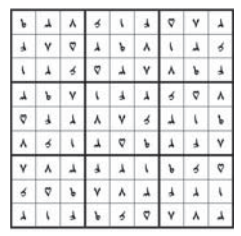

حل سودوکو ۸۱۷

۱	۴	۵	۲	۶	۹	۸	۷	۳
۲	۶	۳	۷	۸	۴	۱	۹	۵
۷	۹	۸	۳	۱	۵	۶	۴	۲
۸	۷	۱	۶	۴	۲	۵	۳	۹
۶	۳	۲	۹	۵	۱	۷	۸	۴
۴	۵	۹	۸	۳	۷	۲	۶	۱
۹	۱	۷	۴	۲	۸	۳	۵	۶
۳	۲	۴	۵	۷	۶	۹	۱	۸
۵	۸	۶	۱	۹	۳	۴	۲	۷

جدول۱۸۱۴

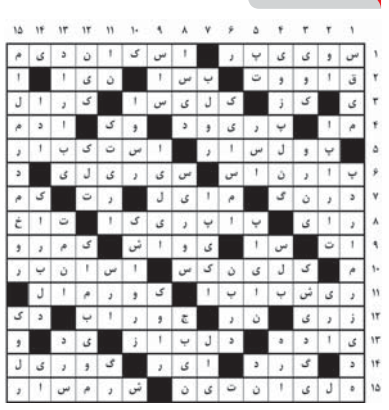

سودوکو سخت۴۶۷

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

۳	۷							
۱		۴			۹			۶
			۲					۸
		۲			۱			
۹				۷	۲			
۷	۵							
		۷			۵			۱
		۱		۹				
			۴		۶		۳	

سودوکو ۸۱۸

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

۹	۱	۵				۶		
	۸						۷	
۴	۶				۹	۱		۸
۸	۲		۴		۶			
۷	۹			۲				
۵	۳			۹		۷	۴	
۱	۷							
۶		۹		۵			۸	
۲		۳	۹	۸				۱